

## سند و تاریخچه آن

### اسناد رسمی و اعتبار و قدرت اجرائی آن

( ۲ )

حقوقدانان و قانونگذاران مقرراتی برای دوئل وضع کردند به مجرد اینکه انکار مدعی علیه اظهار میشد محکمه فرمان دوئل میداد. طرفین بجان هم میافتادند مورخی بنام بومانوار میگوید :

« حکمیت نیز بوسیله دوئل انجام میگرفت حتی اگر محکوم از قاضی اطاعت نمیکرد قاضی هم او را بدوئل دعوت میکرد »

در شهر بورك اگر کلانتر کسی را احضار میکرد و او نمیآمد کلانتر او را بدوئل دعوت مینمود و میگفت حقانیت خود را برای اثبات موجه بودن استنکاف از حضور، باید با دوئل ثابت کنی .

عده ای که نمیتوانستند دوئل کنند و کیل میگرفتند انجام وظیفه و کالتی همان جنگ تن به تن بود و اگر وکیل مغلوب میشد خیانت در انجام وظیفه و کالتی محسوب و ممنوع الوکاله میگردد البته نه در دادگاه عالی انتظامی و کلاه بلکه فی الفور مچ دستش قطع میشد و بالتیجه محروم از شغل و کالت میگردد ، در محاکمات مربوط به قتل ، طناب به گردن متهم بود هر وقت وکیل او بزمین میخورد طناب بالا میرفت .

نجا چون اشخاص سوارکار و جنگی و ورزیده بودند دوئل بنفعشان خاتمه مییافت و اینطور توجیه میکردند که دوئل برای حفظ شرافت خانوادگی لازم است و خداوند به من له الحق کمک میکند و خصم او را بزمین میزند .

در زمان حکومت قانون دوئل ، محاکمات علنی بود و محکوم له برای اینکه پیروزی خود را تثبیت نماید از شهودیکه در محکمه بودند استفاده میکرد این شهود را رکورد میگفتند ولی در محاکمات بعد از رکورد ها برای دوئل دعوت نمیشد هرچه از قدرت محاکمات علنی کاسته شد از قدرت دوئل نیز کم گردید زیرا که

محکمه مجالی برای دوئل نمیداد در سال ۱۵۳۹ در فرانسه محاکم سری معمول و رسم دوئل برانداخته شد و بجای آن اساس سند رسمی پی ریزی گردید.

## ۲ - اسناد در حقوق ملل قدیمه مشرق زمین

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی از زیر خرابه های دو شهر بابل و نینوا در بین النهرین در حدود پنجاه هزار کتیبه آجری مربوط به ۷۰۰ سال قبل از میلاد پیدا شد این کتیبه ها بخط میخی و به زبانهای بابلی و آشوری نگاشته شده هر ۲ تا ۶ کتیبه تشکیل یک کتاب و مجموع آنها تشکیل دو کتابخانه رامیدهند. این کتیبه ها در ضمن شرح لشکر کشیها و جنگها و رصد ستاره ها و سالنامه ها و احکام داد گاهها ضمناً شامل قراردادها و اسناد مردم نیز میباشد.

کتیبه های مذکور توجه باستانشناسان را جلب کرد در شهرهای دیگر نیز به تجسس پرداخته بالنتیجه در مصر و شوش و تخت جمشید و غیره کتیبه های فراوانی بدست آوردند که تعداد آنها به سیصد هزار میرسد که در کتابخانه های معظم دنیا در اختیار محققان قرار گرفته است.

سندی مربوط باخذ وام در زمان کورش اینطور نوشته شده است.

« ده شیکلو نقره متعلق به Umanunu از طرف ریشی کیدین دریافت شد کاتب هوبان نوگاس پسر هورارا » در کتیبه دیگری گیرنده وام شخصی است موسوم به ( هوبان آپی ) ۶ شیکلو طلا بمدت یکماه گرفته و در آن قید شده که در صورت تأخیر در تأدیه آن نزول تعلق میگیرد.

در اسناد معاملات قوم هیطی یا هاطی که مربوط بقرن هشتم قبل از میلاد میباشد نام خداوندان را ذکر میکردند و کوشش مینمودند از نام هیچ خدائی در این اسناد غفلت نشود زیرا ممکن است خدائی که نامش از قلم افتاده سند را بی اعتبار گرداند.

دانشمندان شوروی از نخستین پایتخت اشکانی در حدود ۱۵۰۰ عدد کتیبه بزبان پارسی و مربوط بیک قرن قبل از میلاد پیدا نمودند.

خیلی جلوتر از این اسناد مجموعه قوانین حمورابی است که مربوط به ۱۸ قرن قبل از میلاد میباشد دو ماده از قانون مذکور که مربوط به اسناد است ذیلا نقل میشود :

ماده ۱۲۰ - امانت طلا و نقره و هر شیئی دیگر باید بموجب قرارداد کتبی بعمل آید والا صاحب مال در مطالبه آن ذیحق نخواهد بود.

ماده ۱۲۷ - ازدواج قانونی باید بموجب سند کتبی با حضور گواهان انجام شود.

در کتاب روایات که جزء کتب خطی کتابخانه ملی پاریس است و نیز در کتاب تلمود مباحثی مربوط بادلّه اثبات دعوی و منجمله «سند» در ایران باستان ملاحظه میشود.

در نامه تنسر تصریح شده که هبه در روز اول هر سال یا در اعیاد رسمی خصوصاً در عید میترا صورت میگرفته و همان روز اسامی طرفین در دفتر مخصوص ثبت میشده است. در تلمود نیز ذکری آمده که ایرانیان در محاکم متوسل بادلّه کتبی میشده اند مخصوصاً شرح میدهند که یهودیان اسناد خود را با دقت تمام مینوشته اند ولی در اسناد ایرانیان سهل انگاری دیده میشده است.

### ۳ - اسناد در حقوق اسلامی

در آیه ۲۸۱ و مابعد از سوره البقره اینطور آمده است :

یا ایها الذین آمنوا اذا تدایتمتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه ولیکتب بینکم کاتب بالعدل . . . . . ولیملل الذی علیه الحق . . . . . ذالکم اقسط عندالله و القوم للشهادة . . . . .

گویانکه آیه شریفه ظاهراً کتابت دین را مورد حکم قراردادده ولی میتوان آنرا بکتابت عقود دیگر نیز تسری داد اما نکته جالب توجه اینستکه در حقوق اسلامی سند جزء ادله اثبات دعوی نیست بلکه در این حقوق علاوه بر شهادت و قسم که در رأس ادله اثبات دعوی میباشد اقرار و اصول و ظواهر هر کدام نسبت بنوع دعوی محل و موقعیتی دارند اقامه بینه برمدعی و اتیان سوگند برمنکر لازم است اگر منکر مهریه است اصل عدم اقباض است و اگر نزاع بر سر حق الوکاله است اصل عدم تعیین است اگر موکل میگوید و کالت مجانی بوده اصل عدم تبرع است همچنین است امثال زیاد در خصوص قاعده یدواستصحاب و اصل تسلیط و لاضرر و غیره.

در تمام شرح لمعه که از کتب معتبر حقوق اسلامی میباشد در یکجا بموضوع سند میرسیم تازه آنهاهم برای کتابت و حفظ اقرار میباشد ولوالتمس المدعی کتابه اقراره

کتاب و اشهد مع معرفته اوشهادة عدلین اواقناعه بحلیته یعنی اگر مدعی، کتابت اقرار مدعی علیه را از حاکم بخواهد نوشته میشود و حاکم یا دوشاهد عادل آنرا گواهی مینمایند و یازیور وزینت یعنی هیئت ظاهر مدعی علیه (بجای گواهی حاکم و عدلین) در ذیل اقرارنامه نوشته شده و بدان اکتفا میشود پس در حقوق اسلامی سند بالاستقلال جزء ادله اثبات دعوی نیست بلکه برای تثبیت شهادت و اقرار تحریر و تنظیم مییابد با این وصف از دوران قدیم اسنادی بدست آمده که قسمتی از آنها ذیلا درج میشود :

الف - در تاریخ بیهقی داستانی از زمان سلطان مسعود غزنوی است که پیش از دارآویختن حسنک وزیر ( روزی مسعود گفت بطارم باید نشست که حسنک را آنجا خواهند آورد با قضاة و مزکیان تا آنچه خریده آمده است جمله بنام ماقباله نوشته شود ) .

آنگاه بیهقی میگوید :

« دو قباله نوشته بودند همه اسباب و ضیاع حسنک را بجمله از جهة سلطان و یک یک ضیاع را نام بروی خواندند و وی اقرار کرد بفروختن آن بطوع و رغبت و آن سیم که معین کرده بودند بستند و آن کسان گواهی نوشتند و حاکم مسجل کرد در مجلس و دیگر قضاة نیز علی الرسم فی امثالها »

ب - در کتاب تاریخ مبارک غازی سندی ملاحظه میشود که مربوط بسال ۷۹۱ هجری قمری میباشد و بحکم دادگاه نیز شباهت دارد .

« دو دانگ تام مشاع از اصل شش دانگ اراضی مزارع الاکی حق و ملک طلق و مال محض خاص خالص رعایای قریه هرزن قدیم است حق من حقوقهم و ملک من املاکهم و عقار من عقاراتهم و ایشانراست ید تصرف شرعی مالکانه در آن بهر نوع خواهند واراده نمایند و این حجت شرعیه جهة تذکر ماجری در قلم آمد و جری ذلک فی سلخ شهر ربیع الثانی سنة احدى و تسعین و سبعمائه »

ج - در سیاستنامه خواجه نظام الملک ضمن حکایتی مینویسد :

« این ششصد دینار بده و قباله به هفتصد دینار بستان بگواهی عدل که چون وقت ارتفاع باشد با تشریفاتی نیکو بتورسانم »

د - ابوالمعالی قابوس بن وشمگیر در کتاب قابوسنامه مینویسد :

اما اگر بکسی ودیعتی دهی پنهان مده ودیعت و بدانچه دهی حجتی از وی  
بستان تا از دادرسی رسته باشی «

عبارت اخیر می‌رساند که سند لازم‌الاجرا بوده و دارنده آن کارش بدادرسی  
نمیکشیده اما در واقع چون نویسنده می‌خواسته فرزند خود را بگرفتن سند تحریر  
نماید راه مبالغه را پیموده یا از فقه اسلامی اطلاعی نداشته با توجه باینکه او خود  
را فقیه نمیداند بلکه معلم اخلاق میدانند در عین حال که از اخلاقیات نیز عاری  
است چنانکه در همان کتاب مینویسد :

« وبدست خط خویش هیچ بر خویش واجب نکن تا اگر وقتیکه خواهی  
منکر شوی بتوانی « یعنی قسم دروغ هم یاد نمائی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی